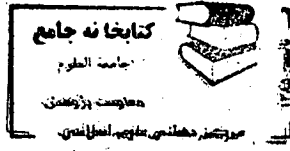


۶



مرکز جهانی علوم اسلامی
مدرسه مبارکه حجتیه

نگاهی به مبانی فقهی

دایره متعلقات خمس



استاد راهنما

آقای محمدجواد حیدری کاشانی

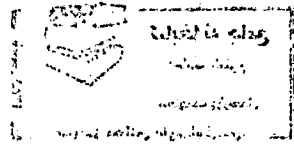


نگارش

سید حسین رضوی



زمستان ۱۳۸۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۳	فهرست مطالب
۷	پیشگفتار
	● فصل اول: کلیات مباحث خمس
	○ بخش اول
۱۵	شناخت کلی فریضه خمس
۱۶	تعریف خمس
۱۷	حکمت‌های تشریح خمس
۱۷	۱. مقابله با ثروت‌اندوزی
۱۹	۲. پاکسازی روحی و تربیت
۱۹	۳. برقراری توازن اقتصادی
۲۰	۴. فواید پرداخت خمس
۲۱	عذاب عدم پرداخت خمس
۲۲	وجوب خمس
۲۴	ملکیت خمس
۲۴	تعلق خمس بر اموال
۲۵	اداء خمس شرط ایمان
	○ بخش دوم
۲۷	متعلقات خمس
۲۸	الف. تعلق گرفتن خمس بر عموم شیء
۲۸	ب. دائره متعلقات خمس
۲۸	معنای لغوی غنیمت
۳۱	چکیده کلام اهل لفت
۳۳	کاربردهای این ماده در کلام عرب
۳۳	الف. غنیمت و غنائم
۳۴	ب. مغنم و مغانم
۳۵	ج. غَنِم، غَنِمَت و غانم
۳۶	چکیده بررسی کاربردی این ماده
۳۸	ارتباط دو واژه نفل و غنیمت
۳۹	دیدگاه ابن عاشور در رابطه با نفل و غنیمت
۴۰	نقد دیدگاه ابن عاشور
۴۱	معنای نفل
۴۲	معنای انفال در احادیث
۴۳	نکات افتراق واژه غنیمت با واژگان نفل و فئ
۴۴	دیدگاه دانشمندان شیعه
۴۶	دیدگاه دانشمندان عامه
۴۹	شان و مورد نزول
۵۱	اصل در مورد مشکوک
۵۲	الف. اصالت عموم غنیمت

رتبه‌بندی: ...
 شماره: ۲۵۷
 شماره: ...

خمس / ۴ □

- ۵۲ دلیل اول. عام بودن آیه شریفه.
 ۵۳ دلیل دوم. احادیث.
 ۵۳ حدیث اول. صحیح‌ه علی بن مهزیار.
 ۵۳ حدیث دوم. خبر حکیم مؤذن بن عیسی.
 ۵۴ حدیث سوم. موثقه سماعه.
 ۵۴ حدیث چهارم. روایت عبدالله بن سنان.
 ۵۴ حدیث پنجم. مرسله علی بن شعبه.
 ۵۴ حدیث ششم. صحیح‌ه عبد الله بن سنان.
 ۵۵ ب. اصالت عموم تکسب.
 ۶۱ آیا متعلق خمس پنج گونه از اموال است؟
 ۶۳ نتیجه بحث.
- فصل دوم: موارد قطعی متعلقات خمس
 ○ بخش اول: غنائم جنگی
 ۶۷ خمس غنائم جنگی و شروط آن.
 ۶۸ الف. کفار حربی.
 ۶۹ ب. اذن امام (علیه‌السلام) در جهاد.
 ۷۱ ج. الف. اموال غنیمتی و درگیری در جنگ.
 ۷۱ د. اموال غنیمتی و صلاحیت ملکیت.
 ○ بخش دوم: معادن
 ۷۴ ادله وجوب خمس در معدن.
 ۷۵ تعریف لغوی معدن.
 ۷۶ معدن در کلمات فقهاء.
 ۷۷ معدن در لسان احادیث.
 ۷۸ حکم خمس در موارد مشکوک معدن.
 ۷۹ نصاب معدن.
 ۸۰ دیدگاه زیدیه در معدن.
 ۸۱ دیدگاه حنفیه.
 ۸۲ نقد دیدگاه حنفیه.
 ۸۴ دیدگاه فقهاء سلف عامه.
 ۸۴ دیدگاه مالکیه.
 ○ بخش سوم: کنز و یا گنج
 ۸۷ دلیل وجوب خمس در کنز.
 ۸۸ کنز در لغت و استعمال عرف.
 ۸۹ اول. شرط بودن قصد ذخیره در کنز.
 ۹۱ دوم. شرط در زیر زمین، بودن کنز.
 ۹۲ سوم. شرط بودن نوع جنس کنز.
 ۹۳ چهارم: شرط بودن مکان کنز.
 ۹۴ نصاب کنز.
 ۹۴ دیدگاه مذاهب عامه در کنز.
 ۹۴ الف. تعریف کنز.
 ۹۵ ب. مکان کنز.
 ۹۶ ج. جنس کنز.
 ۹۶ د. نصاب کنز.

	○ بخش چهارم: غواصی
۹۸	دلیل وجوب خمس در غوص
۱۰۰	موضوع وجوب خمس در غوص
۱۰۱	روش استخراج و مکان آن
۱۰۲	جنس اموال دریایی
۱۰۳	نصاب غوص
۱۰۴	دیدگاه زیدیه و فقیه دیگر از عامه در رابطه با غوص
	○ بخش پنجم: مال مخلوط به حرام
۱۰۷	ادله وجوب خمس در مال مخلوط به حرام
۱۰۹	محل مصرف خمس مال مخلوط به حرام
	○ بخش ششم: ملک منتقل شده به ذمی
۱۱۲	دلیل وجوب خمس در زمین ذمی
۱۱۳	تعیین موضوع ملک منتقل شده
	○ بخش هفتم: خمس ارباح مکاسب
۱۱۵	خمس ارباح مکاسب
۱۱۶	الف. ادله وجوب خمس در فوائد و ارباح مکاسب
۱۱۶	دسته اول ادله از قرآن
۱۱۷	وجه اول استدلال به آیه شریفه ۴۱ سوره انفال
۱۱۷	اشکال بر این استدلال
۱۱۷	جواب اشکال مذکور
۱۱۸	وجه دوم استدلال با آیه ۴۱ سوره انفال
۱۱۸	وجه سوم و چهارم استدلال با آیه ۴۱ سوره انفال
۱۱۹	دسته دوم ادله از سنت
۱۱۹	الف. گروه اول
۱۲۱	ب. گروه دوم
۱۲۲	دسته سوم از ادله اجماع فقیهای امامیه بر وجوب خمس در ارباح مکاسب
۱۲۵	ب. دائره متعلقات خمس در ارباح مکاسب
۱۲۸	ج. شبیهاتی پیرامون ادله وجوب خمس ارباح مکاسب
۱۲۸	شبیهه اول، عدم ظهور غنیمت در ارباح مکاسب
۱۲۸	جواب شبیهه اول
۱۲۹	الف. بیان حکم در زمان مقتضی
۱۳۰	ب. تفاوت دریافت ذکات با خمس
۱۳۱	ج. نبی اکرم خمس ارباح مکاسب را بازگو نموده
۱۳۲	شبیهه دوم: خمس در ارباح مکاسب واجب نشده
۱۳۲	جواب شبیهه دوم
۱۳۳	شبیهه سوم: ضعیف بودن احادیث
۱۳۳	جواب شبیهه سوم
۱۳۴	شبیهه چهارم: خمس ارباح مکاسب خلاف آیه شریفه و احادیث نبوی
۱۳۵	جواب شبیهه چهارم
۱۳۷	مؤنه و نیازهای زندگی
۱۳۸	تعیین سال
۱۳۹	خمس برای شیعه حلال شده است؟
۱۴۰	ادله حلیت خمس

۱۴۰	الف. مطلق بودن احادیث حلیت.
۱۴۱	ب. حلیت غنایم جنگی
۱۴۲	ج. حلیت خمس به سبب نیاز
۱۴۳	د. حلال بودن خمس اموالی که از غیر منتقل می‌شود
۱۴۳	چکیده احادیث تحلیل
۱۴۴	آراء فقها در باره تحلیل
	○ فهرست موضوعی منابع تحقیق:
۱۴۸	۱. کتب لغت
۱۴۹	۱-۱. کتب لغت قرآن و احادیث
۱۴۹	۲. کتب شعر
۱۴۹	۳. کتب تفسیر عامه
۱۵۰	۱-۳. کتب تفسیر شیعه
۱۵۱	۴. کتب علوم قرآن
۱۵۱	۵. کتب حدیث شیعه
۱۵۳	۱-۵. کتب حدیث عامه
۱۵۴	۶. کتب فقهی شیعه
۱۵۸	۱-۶. کتب فقهی زیدیه
۱۵۸	۲-۶. کتب فقهی حنفیه
۱۵۹	۳-۶. کتب فقهی اسماعیلیه
۱۵۹	۴-۶. کتب فقهی حنابله
۱۶۰	۵-۶. کتب فقهی شافعیه
۱۶۰	۶-۶. کتب فقهی مالکیه
۱۶۱	۷-۶. کتب فقهی ظاهری
۱۶۱	۸-۶. کتب فقه مقاون
۱۶۱	۷. کتب سیره
۱۶۲	۸. کتب تراجم
۱۶۲	۹. دائرة المعارفها

پیشگفتار

حمد و سپاس خداوندی را که ما را به وسیله انوار کتاب مبینش هدایت نمود؛ و توفیق تبعیت از سنت نبی گرامی محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله و سلم - را به ما ارزانی داشته؛ و با پیروی از اهل بیتش و آثار آنان که هادیان صراط مستقیم هستند ما را گرامی داشته است.

مدلول الفاظ «فَقِيه»، «فَقَّه»، «تَفَقَّه» و «فِقَاهَة» در کتب لغت به صورت دانستن، دانستن، فهمیدن و فهمیدن منعکس شده است. برخی دیگر از لغویان همچون ابن اثیر با عنایت به این که معنای اصلی آن هم معادل با واژگان شَقَّ و فْتَح که به معنای شکافتن و گشودن است، اظهار نموده که منظور از فقه هر گونه دانستن و فهمیدن نیست. شاید بر همین مبنا راغب اصفهانی معنای اصلی آن را بدین شکل ریشه یابی کرده و منعکس کرده است؛ «هو التوصل الی علم غائب بعلم شاهد...»؛ فقه با به کارگیری معلوم حاضر پی بردن به مجهول دیگری است. بنابراین فقه برخلاف علم و فهم دریافت خاص است.^(۱)

با مراجعه و ملاحظه موارد استعمال این واژه و مشتقات آن در آیات و احادیث دریافت می کنیم که مقصود از آن دانستن صرف که بدون هیچگونه معونه ای دریافت می گردد نیست. بلکه مقصود از آن دریافت چیزی توأم با همه ریزه کاری ها و ظرافتش می باشد.

گوی از این رو، خداوند در این آیه شریفه: «ما کان المؤمنون لیستفروا کافه... لیفتقوها فی الدین»^(۲) به جای کلمه علم از واژه تَفَقَّه استفاده نموده است. زیرا واژه تَفَقَّه برخلاف لفظ علم بر دریافت کامل که به وسیله قوه تعقل و ابزار

۱. رجوع شود به النهایة فی غریب الحدیث و مفردات الفاظ القرآن.

۲. سوره توبه، ۱۲۲.

حاضر حاصل شده است دلالت می‌کند. واژه فقه نیز بر نوع خاص این دریافت دلالت می‌کند.

مراد از آن در اصطلاح فقهاء مجموع قوانین تشریحی است که در بردارنده احکام واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح می‌باشد؛ که ارتباط انسان را با خالق یکتا، طبیعت و جامعه را به نحو احسن ترسیم می‌کند. او با پیروی از آن، نظام زندگی فردی، اجتماعی خویش را تنظیم کرده و سعادت حیات دنیا و آخرتش را تأمین می‌کند.

این قوانین برای رشد و تعالی انسان وضع گردیده است و حق قانونگزاری را خداوند عزوجل به خویش اختصاص داده است و کسی را در آن با خودش شریک قرار نداده است. زیرا در فرد قانونگذار وجود صفات علم و منزه و دور بودن از صفات مذموم نفسانی و در یک کلمه غنی مطلق بودن شرط و لازم است. انسان هیچ یک از این صفات را دارا نیست. و از این رو، نقش قانونگذار را نمی‌تواند ادا نماید. به دلیل اینکه در ظرف عمر هفتاد و هشتاد ساله خویش در کسب صفت علم از شناخت مصالح و مفاسد و خواست‌های نفسانی خودش و نحوه تعدیل آنها عاجز می‌ماند، تا چه رسد به شناخت اشیاء دیگر پیرامون خودش. بر این اساس خداوند متان با الطاف بی‌پایان خویش از بین همه مخلوقات تنها او را صاحب اراده آزاد قرار داده و با ارسال پیامبران و کتب راه‌های رشد و ترقی و احترام به قانون و حقوق دیگران را به او تعلیم داده است. او به وسیله این علم و قانون مخاطب درگاه ایزد متان؛ «و لقد کرمنا بنی آدم... و فضلناهم علی کثیر ممن خلقتنا تفضیلاً»^(۱) قرار گرفت و از سایر مخلوقات برتری یافته است.

منابع این علم در نزد پیروان ثقلین، قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع است. و در

۱. سوره اسراء، ۷۰.

نزد تابعان خلفا علاوه بر این اصول چهارگانه، منبع پنجمی تحت عنوان اجتهاد به رأی در اشکال قیاس، استحسان و مصالح مرسله با استناد به روایت معاذ بن جبل شهرت یافته و به این اصول الحاق شده است.^(۱)

پیروان این دو مکتب فقهی در تفسیر این اصول چهارگانه نیز با یکدیگر اختلافات فاحشی دارند که منشأ آن بر می‌گردد بر سر مسئله تعیین جانشین نبی اکرم بعد از ایشان.

تعیین جانشین به عهده خداوند عزوجل می‌باشد که در قرآن کریم با انزال آیات توصیفی آن را بیان نموده است. و جهت اتمام حجت برای آخرین بار در روز غدیر خم با انزال این آیه شریفه: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتی...»^(۲) به نبی اکرم دستور ابلاغ آن را صادر فرمودند که نبی اکرم نیز با جمع کردن حجاج در غدیر خم آن پیام الهی را با این تعبیر: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه...»^(۳) و «اننی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی ابدا»^(۴) به گوش همه آنان رسانید و از آنان بیعت، تبعیت و پیروی از جانشین خویش حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) را خواستار شد.

۱. روی من ان النبی - صلی الله علیه و آله وسلم - لما انفذ معاذ الی الیمن.

قال له: بماذا تقضی؟ قال: بکتاب الله، قال: فان لم تجد فی کتاب الله؟ قال: بسنة رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - قال: فان لم تجد؟ قال: اجتهد رأیی، فقال: الحمد لله الذی وفق رسول رسول الله لما یرضاه رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - . العدة فی اصول الفقه، ۲، ۷۰۹ - ۷۱۰؛ الجامع الکبیر ترمذی، ۳، باب ما جاء فی الفاضی کیف یقضی، حدیث ۱۳۲۷.

۲. سوره مائده، ۶۷.

۳. اصول کافی، ۱، ۲۸۷.

۴. صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، حدیث ۳۶ - ۳۷؛ الجامع الکبیر ترمذی، ۶، باب مناقب اهل بیت النبی. حدیث ۳۷۸۸؛ مسند احمد بن حنبل، مسند ابی سعید خدری، حدیث ۱۱۱۰۴؛ مستدرک الحاکم، ۳، معرفة الصحابه، حدیث ۴۵۴۶ - ۴۵۷۷؛ بحار الانوار، ۲۳، باب فضائل اهل البیت، حدیث ۹، ص ۱۰۷.

پیروان خلفاء با رد این ادله و توجیه و تأویل برخی از آنها در صدد نفی این جانشینی برآمده‌اند؛ و آن دسته از احادیثی که مثل حدیث ثقلین و حدیث: «أنا مدینة العلم و علی بابها» و امثال آنها که به صدور آنها هر چند از سوی تابعان مکتب خلفا، اذعان گردیده است؛ باز هم مرجعیت علمی اهل بیت - علیهم السلام - را قبول نکرده‌اند. این سیر و حرکت ناسالم در قرن سوم با حمایت خلفای عباسی نماد ظاهری خویش را در زمینه فقه و حدیث و تفسیر و بعدها در زمینه عقیده آشکار ساخت. و در قالب مذهب خود را نمایان نمود و مشرب خاص را در این زمینه‌ها برای خویش ترسیم کرده‌اند.

در این بین از جمله مسائل فقهی که بین پیروان ثقلین و خلفا موجب وجه تمایزی آشکار گردیده است، مسئله فقهی خمس می‌باشد.

روش معمول فقهای عظام شیعه در تنظیم و طبقه‌بندی کتب فقهی بر این قرار گرفته که کتاب خمس را پس از کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم و الاعتکاف، یا کتاب الحج ذکر می‌کنند. فقهای عامه برخلاف فقهای شیعه برای آن عنوان مستقلی به نام کتاب الخمس اختصاص نداده‌اند و مسائل مربوط به آن را به طور معمول در ابواب «کتاب الزکاة» تحت عنوان «المعادن و الزکات» و یا در «کتاب الجهاد» در باب غنائم جنگی مطرح می‌کنند.

این تنظیم‌بندی کتب احکام عبادی، فقهی و قرار دادن خمس در ردیف آنها حکایت از آن می‌کند که همگی آنها بر این عقیده و باور بوده‌اند که خمس بدون قصد تقرب تحقق نمی‌یابد و فقها عافیه و خاصه در این رابطه با یکدیگر اتفاق نظر دارند. نکته افتراق فقهاء عامه و خاصه در رابطه با خمس در دو نکته اصلی است. یکی از آنها درباره حیظه و دائره متعلقات خمس هست و دیگری در رابطه با نحوه تقسیم آن می‌باشد.

بنا به دیدگاه عموم عامه، مکلف به استثنای موارد نادر در شرایط جنگی فقط

در برهه‌ای از زمان مورد مخاطب آیه شریفه خمس، «واعلموا أنّما غنمتم من شیء» در خصوص غنائم جنگی قرار می‌گیرد.

اما بنا به دیدگاه فقهای شیعه خمس یکی از دستورهای مهم فقهی، عبادی، اقتصادی در دین مبین اسلام است و هر مکلفی از مسلمانان در داد و ستدها و انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی خویش با آن سر و کار دارد. برخلاف نظریه اول، آیه شریفه خمس نه تنها فقط در برهه‌ای از زمان بلکه همیشه در متن زندگی مکلف جریان دارد.

از این رو، شناخت مسائل و احکام آن برای فرد مسلمان ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. و یکی از مسائل اصلی آن شناخت آن اموالی است که خمس به آنها تعلق می‌گیرد.

موضوع متعلقات خمس - مالی که پرداخت خمس آن واجب شده - بحثی مهم و کاربردی است که در آن بین فقهای عامه از یک جهت، و بین خود فقهای شیعه از جهت دیگر اختلاف نظر گوناگونی در دایره و حیطه متعلقات آن وجود دارد. و در این مختصر تلاش بر این استوار گردیده است که دیدگاه هر دو طرف همراه با ادله آنان با عرضه داشتن آنها به منابع فقهی مورد بررسی قرار گیرد، تا صحت و سقم نظریه و فتوی آن معلوم گردد.

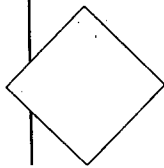
در این نوشته، متن موضوعات مباحث کلی از کتاب ارزشمند «العروة الوثقی» که تألیف مرجع بزرگ و عالی جهان تشیع مرحوم سید محمدکاظم طباطبایی یزدی متوفی ۱۳۳۷ ه. ق، که در نوع خود در طرح مسائل فقهی کم نظیر است، انتخاب گردیده که پس از موافقت، واحد پایان‌نامه و تأیید استاد ارجمند محمدجواد کاشانی با طرح نامه، با مراجعه به بیش از یکصد منبع معتبر مختلف در دو فصل و نه بخش با درآمدی بر شناخت کلی مباحث خمس تهیه و تقدیم گردیده است.

..... خمس / □ ۱۲

در پایان، از اساتید محترم حضرات حجج الاسلام والمسلمین نظری، داور، رجایی، ناظر، حیدری کاشانی، راهنما، علیرضایی نیاز، معاونت آموزش و پژوهش مدرسه مبارکه حجتیه که در مطالعه و ارائه راهنماییها و حضور در جلسه دفاعیه ما را مفتخر نموده‌اند، کمال تشکر را دارم و از ایزد منان دوام توفیق را برای همگان خواستارم.

امید است به یاری خداوند منان و همکاری بزرگان، نواقص آن برطرف شود.

وما توفیقی الا بالله العلی العظیم، وهو حسبی ونعم الوکیل



فصل اول

□ کلیات مباحث خمس

□

بخش اول

شناخت فریضه خمس

تعریف خمس

حکمت‌های تشریح

۱. مقابله با ثروت اندوزی

۲. پاک‌سازی روحی و تربیت

۳. برقراری توازن اقتصادی

۴. فوائد پرداخت خمس

عذاب عدم پرداخت خمس

واجب بودن خمس

ملکیت خمس

اداء خمس شرط ایمان

تعلق خمس بر اموال

■

درآمدی بر شناخت کلی فریضه خمس

◁ کلام صاحب عروة الوثقی

و هو من الفرائض، وقد جعلها الله تعالى لمحمد - صَلَّى الله عليه وآله - و ذريته عوضاً عن الزكاة إكراماً لهم و من منع منه درهما أو أقل، كان مندرجاً في الظالمين لهم، والغاصبين لحقهم، بل من كان مستحلاً لذلك كان من الكافرين، ففي الخبر عن أبي بصير، قال: قلت لأبي جعفر - عليه السلام - ما يسر ما يدخل به العبد النار؟

قال: مَنْ أكل من مال اليتيم درهماً و نحن اليتيم^(۱).

و عن الصادق (عليه السلام) انَّ الله لا اله الا هو حيث حرّم علينا الصدقة انزل لنا الخمس، فالصدقة علينا الحرام، والخمس لنا فريضة، والكرامة لنا حلال^(۲).
و عن أبي جعفر (عليه السلام) لا يحلّ لاحد أن يشتري من الخمس شيئاً حتى

۱. من لا يحضره الفقيه، ۲، حدیث ۷؛ وسائل الشیعة، ۹، ۴۸۳، حدیث ۶۱؛ مستدرک الوسائل، ۷، ۲۷۷؛ تعبیر صاحب العروة الوثقی از این حدیث به خبر به علت وقوع علی بن ابی حمزه بطائنی (از بزرگان واقفیه بوده) در سند حدیث است. این حدیث را عیاشی نیز نقل کرده است. تفسیر العیاشی، ۱، ۲۲۵.

۲. من لا يحضره الفقيه، ۲، ۴۱؛ الوسائل، ۹، ۴۸۳. در این دو اثر شروع حدیث با تعبیر «قال الصادق» است که از این به عنوان «عن الصادق» تعبیر نمودن مشیر بر این نکته است که مؤلف کتاب به صدور حدیث اذعان داشته و بدین سبب آن را به امام (عليه السلام) نسبت داده است.

يصل إلينا حتنا^(۱).

و عن ابی جعفر عبدالله (علیه السلام): لا یعذر عبد اشتری من الخمس شیئاً أن یقول: «یا رب اشتریته بمالی» حتی یأذن له اهل الخمس^(۲).

◀ تعریف خمس

مراد و مفهوم از تلفظ و استعمال واژه حُمُس به شکل اسم، بر عدد پنج و به صورت حَمَس و أَحْمَس کار گرفته شود، به پنجم شدن و گردیدن چیزی دلالت می‌کند. حَمَس و تخمیس نیز بر تقسیم کردن چیزی به پنج قسمت، دلالت دارد. همچنین به کارگیری حُمُس و حُمُس که از ماده خمس مشتق شده بر هنر یک از اجزاء پنجگانه چیزی دلالت می‌کند، که از آن به یک پنجم $\frac{1}{5}$ تعبیر می‌شود، که عرب آن را در خصوص مال با این تعبیر: «أَخَذَ حُمُسَ مَالِهِمِ أَوْ الْحُمَالِ» به کار برده است.

و اما در اصطلاح مقصود از آن بر اساس منطوق آیه شریفه ۴۱ سوره انفال؛ «واعلموا أنما غنمتم من شيء فإن لله خمسة و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المسکین و ابن السبیل» * ان کنتم امنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شیء قدیر» و سنت متواتر و اجماع عموم فرق اسلامی، یک پنجم درآمدهای مالی مؤمنین را شامل می‌شود. خداوند که مالک حقیقی است، به خود و پیامبرش و نزدیکان او اختصاص داده و شرط ایمان به خویش و آنچه بر رسولش نازل شده را پرداخت آن، قرار داده است.

بخشی از این اموال را خداوند میان جهت تکریم نبی اکرم و ائمه هدی برای رهبری جامعه مسلمین و به تبع این بزرگان به فقیران خاندان هاشم (جد پیامبر)

۱. اصول کافی، ۱، ۵۴۵؛ الوسائل، ۹، ۴۸۴.

۲. تفسیر العیاشی، ۲، ۶۳؛ مستدرک الوسائل، ۷، ۲۷۸، حدیث ۴.

به جای زکات (که از آن در احادیث به عنوان اموال پلید یاد شده)^(۱) هدیه فرموده است.

تکلیف بخش دیگر این اموال که شامل نصف خمس می باشد خداوند (عزوجل) به ولی و خلیفه خویش واگذار نموده است که امام (علیه السلام) در مواردی که مورد رضایت خداوند (عزوجل) است مصرف کند.

◀ حکمت‌های تشریح خمس

به موجب آیه شریفه خمس و انفال و احادیث متظافره‌ای نظیر حدیث امام محمد باقر (علیه السلام) که می فرماید: «وجدنا فی کتاب علی «انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین»^(۲) أنا و اهل بیتی الذین اورثنا الله الارض و نحن المتقون والارض کلها لنا...» این اموال در اختیار امام معصوم قرار دارد امامی که ولی و خلیفه خداوند (عزوجل) در روی زمین است و از جمیع صفات کمال برخوردار. با تأمل در این صفات در می یابیم که این تملک به خاطر رفع نیاز مادی امام و نزدیکان او نبوده است چنان که در حدیث مرفوعه حسین بن محمد آمده؛ «مَنْ زعم انّ الامام یحتاج الی ما فی ایدی الناس فهو کافر، انما الناس یحتاجون ان یتقبل منهم الامام. قال الله عزوجل: «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها»^(۳). بلکه برای مصالح عامه مسلمین و علل ذیل این اموال به ملکیت امام (علیه السلام) درآمده است.

□ ۱. مقابله با ثروت اندوزی

الف. علاقه به ثروت اندوزی زمینه ساز بسیاری از مفاسد عقیدتی - اخلاقی،

۱. اصول کافی، ۱، باب فیئ و انفال و خمس، حدیث: ۱؛ جواهر الکلام، ۱۶، ۲.

۲. سوره توبه، آیه ۶۰؛ اصول کافی، ۱، ۴۰۷.

۳. سوره توبه، آیه ۱۰۴؛ اصول کافی، ۱، ۵۳۷.

نظیر بخل، طمع، غفلت، تکبر و... در فرد و جامعه است. و از طرفی موجب شکاف طبقاتی در جامعه و تراکم ثروت نزد عده محدود و در نتیجه سبب گسترش فقر در اکثریت جامعه می شود و فقر به تنهایی عامل مفاسد اجتماعی بسیاری نظیر قمار، فحشاء، دزدی و غیر اینها است. آیه شریفه، «واعلموا أنّما أموالکم و اولادکم فتنة...»^(۱) و فرمایش حضرت امیرالمؤمنین «المال مادة الشهوات»^(۲) شاهدی بر ضررهای حاصل از ثروت است.

ب. به موجب آیه شریفه؛ «ما افاء الله على رسوله من اهل لقرئى فلوله وللرسول ولذی القربى والیتامی والمساکین وابن السبیل کی لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم...»^(۳) تشریح خمس از این بابت است که ثروت عظیم انفال و فیه - که بدون جنگ به دست می آید - در اختیار ثروتمندان قرار نگیرد تا فقط میان آنها رد و بدل شود و فقراء از آن بهره ای نداشته باشند.

ج. اختصاص نیمی از خمس به موجب آیه خمس واحادیث به سادات و بنی هاشم برای رفع نیاز آنان می باشد به دلیل اینکه فقراء و درماندگان ذریه ائمه هدی و دیگر فقرای بنی هاشم برای رفع نیازشان حق استفاده از زکات و صدقه واجب را به اتفاق فقهاء عامه و خاصه ندارند^(۴).

اختصاص این اموال خمس و انفال به رسول اکرم و ائمه هدی (علیهم السلام) تحت سه عنوان دیگر نیز قابل بحث است که به طور اختصار به آن می پردازیم:

۱. سورة انفال، آیه ۲۸.

۲. نهج البلاغه، قصار ۵۸.

۳. سورة حشر، آیه ۷.

۴. الفقه على المذاهب الاربعة و مذهب اهل البيت، ۱، ۸۰۵-۸۰۱؛ الفقه على المذاهب الاربعة، عبدالرحمن الجزیری، ۱، ۶۲۶-۶۲۲؛ الفقه على المذاهب الخمسه، ۱۸۱؛ روضة الطالبین، ۲، ۱۸۴؛ حاشية الدسوقي على شرح الكبير، ۱، ۷۶۹.

□ ۲. پاکسازی روحی و تربیت

رسول اکرم و امامان معصوم (علیهم السلام) با گرفتن این اموال از مسلمانان آنها را از صفات ناپسند عثیدتی - رفتاری که به وسیله حبّ به مال و ثروت اندوزی دچارشان می شود، پاک می کنند و در آنها بذرفضائل اخلاقی نظیر سخاوت، عدم تعلق به مال و توجه به حقوق دیگران می کارند. همانطور که به این مطلب در آیه شریفه: «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها»^(۱) و خبر موثق ابن بکیر از امام صادق (علیه السلام) «اتّی لأخذ من احدکم الدرهم و اتّی لمن اکثر اهل المدینه، ما لا، ما ارید بذلك إلا أن تطهروا»^(۲) اشاره شده است.

□ ۳. برقراری توازن اقتصادی

انباشته شدن سرمایه نزد عده ای دنیاپرست موجب می شود که در جامعه مسلمین شکاف طبقاتی بین غنی و فقیر به وجود بیاید؛ این شکاف طبقاتی فقر مادی را به دنبال خود دارد؛ و این فقر خود به بسیاری از مفاسد و آلودگی های اجتماعی دامن می زند، با حکم خمس و اختصاص این اموال به رسول و امام، خداوند (عزوجل) خواسته این سرمایه در دست انسانهای پیراسته از همه صفات ناپسند قرار گیرد.

خداوند اراده فرموده همه انسان ها از مواهب و نعمت های سرشاری که به آنها اعطا نموده است به مقدار نیازشان بهره مند شوند. و در همان حال، خویش را از عوارض حب مال و ثروت اندوزی پاک نمایند؛ و در نهال آنها بذرفضائل اخلاقی کاشته شود؛ و این اراده تنها به وسیله جانشین خداوند در روی زمین محقق می شود. و در این روایت حماد بن عیسی که بدون ذکر نامی از راویان بین خود و امام معصوم ذکر نماید، آن را به صورت مرسل از حضرت موسی کاظم - علیه السلام - نقل

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۲. علل الشرائع، باب: ۱۰۷، ۳۷۷ - ۳۷۸.

کرده است. و بزرگان و قدمای طائفه به خاطر اینکه حماد جزء اصحاب اجماع به شمار می‌آید، روایت او را تلقی به صحت نموده‌اند. و با مطالعه این فراز از این روایت «و لیس فی مال الخمس زکاة، لأنَّ فقراء النَّاس جعل ارزاقهم علی ثمانية اسهم، فلم یبق منهم احدٌ، و جعل للفقراء قرابة الرسول نصف الخمس فاغناهم به عن صدقات النَّاس و صدقات النَّبی و ولی الامر، فلم یبق فقیر من فقراء النَّاس و لم یبق فقیر من فقراء قرابة رسول الله الا و قد استغنی فلا فقیر و لذلك لم یکن علی مال النَّبی و الوالی زکاة، لانه لم یبق فقیر محتاج.»^(۱) به حقیقت این مطلب بیشتر پی می‌بریم.

□ ۴. فوائد پرداخت خمس

علاوه بر آنچه بیان گردید، پرداخت کننده خمس از مبتلا شدن به بعضی از امراض فکری که به سرمایه به عنوان تنها عامل سعادت و خوشبختی می‌نگرد و دادن آن را مایه از دست رفتن خوشبختی تلقی می‌کند، در نتیجه این فکر و گمان قبل از این که در عقیده و اخلاق او نمود پیدا کند، خلاصی می‌یابد. از طرف دیگر درماندگان، یتیمان و فقراء، با تحویل گرفتن این سرمایه در حقیقت خودشان را از برخی آلودگی‌ها - که زمینه آنها را فقری مادی فراهم می‌کند - محفوظ می‌دارند.

اضافه بر این، اخراج خمس از اموال و دادن آن، موجب برخورداری بیشتر از روزی و ریزش گناهان و بهره‌مند گردیدن از عنایت خاصه خداوند - عزوجل - و ائمه هدی و در بردارنده ثواب و اجر آخرت را در پی خود دارد.

در این حدیث شریف فوائد آن را ثامن الحجج - علیه صلوات الله - در پاسخ به یک تاجر که از ایشان اذن در تصرف خمس را خواسته بود، این گونه بیان فرموده است: «... انَّ الله واسع کریم، ضمین علی العمل الثواب و علی الضیق الهم،

۱. اصول کافی، ۱، ۵۴۲؛ وسائل الشیعة، ۹، باب قسمة الخمس، حدیث ۸.